



گزارش رصد فرهنگی (۵۵)

## وضعیت فرهنگی و اجتماعی مهاجرین افغانستانی

گزارش «وضعیت فرهنگی و اجتماعی مهاجرین افغانستانی» در آبان ۱۴۰۲ منتشر شده است.

در طول تاریخ همیشه مهاجرت به دلایل مختلف وجود داشته؛ اما رفته رفته بر حجم و اهمیت آن افزوده شده است و به یکی از مسائل مهم در جوامع تبدیل گردیده که جنبه‌های مختلف آن به خصوص وجوه فرهنگی و اجتماعی آن نیازمند مطالعه است. کشور ما نیز همواره با پدیده مهاجرت روبه‌رو بوده است. ناامنی کشورهای همسایه موجب شده که ایران مقصد مهاجران پرشماری باشد و همواره پذیرای چند میلیون مهاجر. نگاهی به آمار پذیرش پناهندگان کشورهای جهان نشان می‌دهد، ایران طی حدود چهار دهه گذشته همواره جزء کشورهای پناهنده‌پذیر بوده است. علی‌رغم اینکه اقدام بشردوستانه ایران در پناه دادن به این جمعیت ستودنی است؛ اما گذشت زمان به دنبال خود تغییر ماهیت مسئله را به همراه داشته که تغییر رویکرد و سیاست‌ها درباره این مسئله را ضروری می‌کند.

اکثریت مهاجران حاضر در ایران از کشور افغانستان و عراق هستند. بسیاری از عراقی‌ها پس از بهبود اوضاع عراق برگشتند و امروز فقط چند هزار عراقی در کشور حضور دارند؛ اما تعداد افغانستانی‌های حاضر در ایران همواره میلیونی بوده است و پس از فروپاشی دولت در افغانستان در تابستان سال ۱۴۰۰ نیز بسیاری دیگر از افغانستانی‌ها به ایران آمدند. همین مسائل موجب شده که ایران طی دهه‌های متوالی میزبان چند میلیون مهاجر و پناهنده و پناهجو باشد که همگی تحت‌عنوان مهاجر در ایران زندگی می‌کنند، به این معنا که هرزمان از مهاجرین در ایران صحبت می‌شود، همه این سه گروه را شامل می‌شود.

امروز بیش از چهار و نیم میلیون مهاجر و پناهنده افغانستانی در ایران زندگی می‌کنند. مجموعه قوانین و سیاست‌های موجود اگرچه برای تشویق مهاجران و پناهندگان به بازگشت به افغانستان و همچنین جلوگیری از مهاجرت‌های بیشتر وضع شده‌اند؛ اما با توجه به ماندگاری افغانستانی‌ها در ایران، پیامد ناخواسته این قوانین و سیاست‌ها، شکل‌گیری جمعیتی است که در سطح پایین‌تری از حقوق و دسترسی به خدمات در مقایسه با شهروندان ایرانی قرار دارد و مسیرها برای جذب و ادغام آن‌ها در کشور به لحاظ قانونی مسدود است. به نظر می‌رسد هرچه از زمان حضور این پناهندگان بیشتر می‌گذرد، ابعاد این مسئله به حدی در حال افزایش است که نادیده گرفتن آن در سیاست‌گذاری‌های آتی پیامدهای خسارت‌باری به همراه دارد. با توجه به شرایط دشوار اقتصادی افغانستان و تداوم تفاوت سطح استاندارد زندگی در دو کشور به نظر می‌رسد وقت آن رسیده است که دو پدیده «مهاجرت به ایران» و «مهاجران در ایران» به عنوان امری بلندمدت و نه مقطعی در نظر گرفته شوند (نصر اصفهانی، ۱۳۹۴).

از آنجاکه «نگاه موقتی» به مهاجران افغانستانی و وضعیت محرومیت برای آنان و فرزندان ایشان می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی باشد، پاسخ به این پرسش ضروری است که «آیا سیاست‌ها و قوانین موجود درباره حضور افغانستانی‌ها در ایران مانند قبل ادامه یابد یا می‌توان و می‌باید در آن‌ها تجدیدنظر کرد؟» سیاست‌ها و قوانین موجود با رویکرد موقتی و گذرا بودن حضور افغانستانی‌ها در ایران و با هدف تشویق آن‌ها به بازگشت به افغانستان و جلوگیری از مهاجرت‌های بیشتر وضع شده‌اند، به همین دلیل آنان از بسیاری از فرصت‌ها و خدمات و امکانات شهروندی محروم هستند. آن‌ها نمی‌توانند حقوق شهروندی ایران یا اقامت دائمی داشته باشند و تحت شرایط محدودشده اقامتی زندگی می‌کنند (اصفهانی، ۱۳۹۹). این محرومیت از

حقوق شهروندی تا جایی پیش می‌رود که تابعیت مادرانه (تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد افغانستانی) را سال‌های سال در حالت تعلیق نگه داشته است (تکاوران ۲، ۱۴۰۲). این مهاجران از بسیاری از مؤلفه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی از جمله طرح‌های حمایتی محروم هستند. علاوه بر آنکه سیاست‌های مهاجرت و اشتغال در ایران، تاحدزیادی مانع تحرک اجتماعی آن‌ها می‌شود. یکی از جنبه‌های فقر شهری در ایران، فقر مسکن است که به دلیل سیاست‌های نامناسب و شکست‌خورده مسکن و تداوم پیگیری آن‌ها طی دهه‌های گذشته، پیوسته فقر مسکن افزایش یافته است. بیش از نیمی از مردم ایران مالک املاکشان هستند که این فقر آن‌ها را کاهش می‌دهد؛ اما افغانستانی‌ها این حق را ندارند و همین مسئله مشکلات زیادی مثل گسترش اسکان غیررسمی ایجاد می‌کند.

در حال حاضر وقت آن است که دو پدیده «مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران» و «مهاجران افغانستانی در ایران» به عنوان امری بلندمدت و نه مقطعی و مسئله ایرانی و نه بیرونی در نظر گرفته شوند و جامعه و دولت ایران خود را برای مهاجرت بیشتر و حضور بلندمدت مهاجران آماده کند. از آنجاکه حضور درازمدت افغانستانی‌ها در ایران، قطعی است و از آنجاکه نگاه موقتی و وضعیت محرومیت برای آنان و فرزندان ایشان می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های سیاسی امنیتی و اجتماعی فرهنگی باشد، لذا وقت آن است که سیاست‌ها و قوانین درباره افغانستانی‌ها در ایران مورد بازنگری و تجدیدنظر قرار گیرد، به ویژه آنکه اشتراکات دیرین فرهنگی و مذهبی دو ملت می‌تواند تسهیل‌کننده این تغییر سیاست باشد. گزارش حاضر سعی دارد تاریخچه حضور و وضعیت مهاجرین در ایران را بیان کند و بر این اساس پیشنهادهایی در حوزه قانونی و اداری و اجتماعی و فرهنگی برای بهبود وضع موجود افغانستانی‌ها در ایران ارائه دهد. برای تدوین سیاست‌ها و قوانین جدید نیاز به اطلاعات جامع و دقیق از وضعیت افغانستانی‌ها در ایران وجود دارد که در این زمینه تحقیقات جدی انجام شده است و می‌توان از آن تحقیقات و پژوهشگران آن‌ها در تدوین سیاست‌های جدید استفاده کرد.